

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ جولای ۲۰۲۱

تشدید جنگ و تزئید کشتار در هزاره جات همزمان با ریزه خواری از خوان رژیم و لایت فقیه!؟

پنجشنبه - ۱۷ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: در این اواخر "طالب" در مواجهه با رژیم ولایت فقیه و مناطق هزاره جات دو برخورد تقریباً متضاد از همدیگر را به نمایش گذاشته است. یعنی در حالی که در داخل افغانستان از چهار جهت تلاش دارد تا حلقه محاصره مناطق و ولایات عمدتاً هزاره نشین را محدود و محدود تر بسازد و جهت انجام این ستراتیژی از ولسوالی های ولایات بلخ، سمنگان و سرپل در شمال شروع و در شرق با تصرف ولسوالی غوربند راه رفتن به بامیان را در کنترل می گیرند و در جنوب شرق با تصرف بهسود و ولسوالی های مربوط ولایت غزنی رابطه آنها را به شهر های کابل و غزنی قطع می نماید و در غرب و شمال غرب ولسوالی های دایکندی و غور و از جنوب ارزگان را در اختیار می گیرند و بدین سان تمام هزاره جات را به مانند نگین انگشتر به حلقه محاصره در می آورد، همزمان با آن با رژیم ولایت فقیه آنقدر نزدیک شده و بر دسترخوان خونین آن رژیم لقمه های به بزرگی کله پشک بر می دارند که مصداق کامل ضرب المثل معروف مردم کابل "از یک کون گوز می زنند" شده اند. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین داریم، چه این وضعیت می رساند:

۱- در این که تمام هزاره و شیعه مذهب را نمی توان نوکر و عامل ایران دانست، نه تنها هیچ شکی نیست بلکه داشتن چنین اعتقادی ضمن اهانت به خون شهدای پیشتاز خلق هزاره، ردیالنه ترین موضعی است که فقط عناصر استخباراتی و یا هم سگان زنجیری شوونیسم ممکن است اتخاذ نمایند. بناءً نباید همیشه چنان پنداریم و حکم نمائیم که گویا حمله بر هزاره جات در کل، حمله بر منافع ایران نیز می باشد.

۲- هرگاه به جنگها و تصفیه های خونین دهه ۶۰ قرن گذشته دقت نمائیم، دیده می شود در آن زمان در تمام مناطق هزاره جات در کل، دو نیروی متشکل از باشندگان محل، جهت تثبیت حاکمیت شان بر هزاره جات در تقابل با یک دیگر قرار داشتند، یکی "شورای اتفاق" تحت رهبری "بهشتی" و دیگری نهاد های وابسته به ایران زیر قیادت سازمان جنایت پیشه "نصر" که استخوان بندی تمام جناح های حزب راسیست "وحدت اسلامی" را می سازد، بود. سیاست رژیم ولایت فقیه در آن زمان چنان بود که ضمن یگان ترور پراکنده و منفرد افراد "شورای اتفاق" در داخل و خارج کشور، عمدتاً آنها را زیر تیغ دولت پوشالی وابسته به روس برده، از طریق بخش هزاره گی شورای اقوام و قبایل که زیر نظر برداران "کشمند" (سلطانعلی و اسد) قرار داشت، به نفع سازمان "نصر" و بقیه مزدوران خود سرکوب می نمود.

جنایت پیشکی و قساوت آخوندی انسان را بدین فکر می اندازد که نکند امروز باز، امواج روشنفکری موجود در هزاره جات که نه تنها هیچ قرابتی با رژیم و ولایت فقیه ندارند بلکه آن رژیم را بزرگترین زمینه و بهانه موجودیت افراط گرایی اسلامی در منطقه می دانند و سقوط آن را پیش شرط اضمحلال بنیادگرایی اسلامی در منطقه ارزیابی می کنند، توجه رژیم ولایت فقیه را به خود جلب نموده و می خواهد بدون آن که دستان خودش خونین شود، آن حرکات را به وسیله طالب در نطفه خفه نماید.

۳- در کل ایران، منطقه نفوذ بالقوه خود را در ازای نزدیکی طالب با ایران در مناسبات منطقه ئی معامله نموده، می خواهد نیروهای وابسته به خودش را از آن منطقه بیرون نموده بقیه منطقه را به تیغ طالب سپرده، برندگی آن تیغ و قساوت طالب را محک زده از دور نظاره کند.

۴- تضاد های درونی طالب، مانع از آن می گردد تا این باند بتواند به مثابه یک کل دوست و یا دشمن واحد داشته باشد، از همین رو همزمان با آن که یک جناح تلاش دارد تا مناسباتشان را با یکی از قدرت های منطقه ئی دوستانه تنظیم نماید، جناح دیگر عامدانه تلاش می ورزد، تا با حمله بر هزاره جات و آسیب رساندن به ساحه نفوذ بالقوه ایران آن مناسبات را مورد حمله قرار دهد، تا از این طریق در کار رقیب جناحی خودش خللی ایجاد نماید.

۵- طالب آنقدر جرأت یافته است که با اتخاذ چنین سیاست دو وجهی متضادی در عمل به ایرانی ها تفهیم می نماید، که روابط ایران با طالب یک طرف است و روابط طالب با باشندگان افغانستان طرف دیگر و دولت ایران حق ندارد در چنان موردی دخالت نموده از خود عکس العمل نشان دهد.

هموطنان گرامی!

هرگاه به تجارب گذشته و تاریخ حیات ننگین جهادیت ها و تمام داعیان اسلام سیاسی نظر اندازیم، دیده می شود که فرصت طلبی و معامله گری استخوانبندی شخصیت سیاسی آنها را ساخته، در هر لحظه و هر جایی امکان داد و ستد و بریدن و پیوستن از یکی به دیگری بین آنها وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. بناءً باید بپذیریم که چه جهادیت های افغانستان و چه رژیم های ولایت فقیه و یا پاکستان و بقیه به اصطلاح رژیم های اسلامی، همیشه قابل خرید و فروش بوده، اصطلاح "فاحشه سیاسی" در مورد آنها صدق می نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!